



انسان‌شناسی برای اخلاقی زیستن، ضرورتی تام و تمام دارد

برای شناخت عینی و واقعی انسان، دست کم باید از سه منبع یا منظر او را مشاهده کرد. این سه، فرصت و امکان عملی و نزدیک برای مشاهده‌گر فراهم می‌کند که عبارتند از: رمان، سفرنامه و خودسرگذشت نویسی.

برای شناخت عینی و واقعی انسان، دست کم باید از سه منبع یا منظر او را مشاهده کرد. این سه، فرصت و امکان عملی و نزدیک برای مشاهده‌گر فراهم می‌کند که عبارتند از: رمان، سفرنامه و خودسرگذشت نویسی.

به گزارش خبرنگار مهر، علی زمانیان، نویسنده و پژوهشگر در یادداشتی با عنوان انسان‌شناسی؛ از نمای نزدیک، به بررسی چگونگی شناخت انسان و ضرورت انسان‌شناسی پرداخته است:

برای اخلاقی زیستن، انسان‌شناسی ضرورتی تام و تمام دارد. نمی‌توان اخلاقی زیست مگر آن که با انسان در کوران حوادث و اتفاقات و در موقعیت‌ها، مواجهه‌ای مستقیم داشته باشیم. به سخن دیگر، رودرو شدن با انسان واقعاً موجود (و نه انسان ذهنی و انتزاعی)، برای فهم درست، اجتناب‌ناپذیر است. وقتی از انسان سخن گفته می‌شود، یعنی همین انسانی که در افت و خیزها رنج می‌برد، هراس دارد، در جستجوی معناست، به دنبال پیشنهاد سود و کمینه کردن زیان است.

در این رویکرد، انسان‌شناسی، یعنی شناخت انسان موجود متعین و متجسد که سرنوشت تلخ و شیرین را تجربه می‌کند. وقتی می‌توانیم انسان را بشناسیم که او را در موقعیت‌هایش مشاهده و مطالعه کنیم. او را در زندگی روزمره و مواجهه‌اش با بالا و پست سرنوشت و سرد و گرم روزگار ببینیم. هنگامی که کسی را از دست می‌دهد، بیمار می‌شود، در فقر و رنج غوطه‌خور شده و وقتی شکست می‌خورد. همچنین مشاهده‌ای او هنگامی که در وجه روشن و شاد زندگی قرار دارد. انسان‌شناسی در این رویکرد، فهم انسان یعنی مشاهده‌ی تجربه‌ها و مواجهات او در موقعیت‌های متفاوت است.

برای شناخت عینی و واقعی انسان، دست کم باید از سه منبع و یا سه منظر او را مشاهده کرد. این سه، فرصت و امکان عملی و نزدیک برای مشاهده‌گر فراهم می‌کند.

مشاهده و مطالعه‌ی انسان از سه منظر مورد نظر عبارت است از:

۱. رمان

رمان، با به نمایش گذاشتن موقعیت‌های مختلف زندگی از عشق و رزی تا کین توزی، از خودخواهی تا از خود گذشتگی و.... سبب می‌شود عمیقاً و با تمام وجود با این موقعیت‌ها مواجه شویم و وضع و حال انسان و لایه‌های ناپیدای زیستن را در هر یک از این موقعیت‌ها مشاهده کنیم. رمان یعنی تجربه‌ی وضع و حال آدمیان در شرایطی که ممکن است خود او تا کنون در آن قرار نگرفته باشد. فهم رفتار و احوالات انسان و یا انسان‌هایی است که در چرخه‌ی سرنوشت در هم پیچیده شدند و رفتند. با درک عمیق و همدلانه از دقایق زندگی آدمیان در شرایط و زمان‌های متفاوت، که با چیره‌دستی در رمان‌ها بازسازی می‌شود، ویژگی‌های مشترک میان آدمیان را در می‌یابد.

۲. سفرنامه

سفرنامه‌ها، گزارش انسان‌شناسی از خویش و احوال نفسانی است در هنگام گام زدن در وادی زندگی پر مشقت و رنج و تجربه‌ی زیسته‌ی همه‌ی عمر. سفرنامه‌ها و یا دست کم سفرنامه‌هایی که از گذشته‌ی دور برجای مانده است، بیان وضع و احوال انسان در موقعیت‌های متفاوت و متغیر است. سفرنامه‌ها علاوه بر احوال سفرنامه‌نویس، احوال مردمانی را منعکس می‌کند که در ازمنه‌ی پیشین می‌زیسته‌اند و پیش از این، رفته‌اند و کسی از آن‌ها یاد نکرده است. کتب تاریخی، عموماً، ناظر به حوادث و اتفاقات کلی نوشته شده و انسان، غایب است. اما سفرنامه‌ها از مردمی می‌نویسد که در میانه‌ی رنج و لذت زندگی روزمره می‌زیسته‌اند.

سرگذشت‌نویس، دقایق زندگی و احوال پنهانش را با ما در میان می‌گذارد. به ما می‌گوید جهان و زندگی را چگونه تجربه کرده است. اجازه می‌دهد دیگران وارد ذهنش شده و از یافته‌هایش مطلع شوند. خودش را با دیگران به اشتراک می‌گذارد. "خودسرنوشت نویس" یعنی کسی که افت و خیز "من" سیالش را در مسیر طولانی زندگی برآفتاب می‌افکند تا دیگران آن را بخوانند. تا دیگران دریابند انسان در موقعیت‌های انضمامی و محسوس زندگی، چه رنج‌ها و سرگشتگی‌ها و هایی از سر می‌گذراند. زندگینامه‌ها، امکان تماشای انسان واقعا موجود را با همه‌ی تجربه‌هایش برای ما فراهم می‌کند. و ما را دعوت می‌کند که اگر می‌خواهید انسان را بشناسید: "اینک این انسان". انسانی که فراق و وصالش را شرح می‌دهد. اندوه‌ها و شادی‌ها و هایش را بیان می‌کند. و مهم‌تر این که به روشنی نشان می‌دهد گذر زمان با آدمی چه می‌کند.

آن که می‌خواهد انسان را بشناسد و عمیقا و از نمای نزدیک او را فهم کند، "رمان"، "سفرنامه" و "خودسرگذشت‌نویسی"‌ها افق باز و گسترده‌ای می‌گشایند تا انسان را در این سه آیینه ملاحظه و تجربه نماید. این همان فهم و حکمتی است که از منابع دیگر به دست نمی‌آید.